

در سنت مخصوصان ﷺ، یکی از آداب سفرهای تفریحی شوخی با همسفران است.<sup>۱</sup> هم و غم انسان در سفر، به دلیل غربت و دوری از وطن، بیشتر است. از این‌رو، یکی از دستورات آن بزرگواران توجه به شوخی و طنز در طول سفر است تا به این وسیله، مقداری از آن هم و غم کاسته شود. البته این نکته هم در خور توجه است که پیشوایان مخصوص طنز و لطیفه و شوخی را در چارچوب مطالبی که رضایت خدا در آن باشد، حلال و مطلوب می‌شمردند. این مسئله در تعامل پیامبر ﷺ نیز قابل مشاهده است.

نقل شده است که روزی پیامبر ﷺ به شدت ناراحت بود. عربی از راه رسید که می‌خواست سوالی از حضرت بپرسد. اصحاب گفتند رسول اکرم امروز خیلی ناراحت است. مرد عرب گفت: «به خدا قسم تا او تبسم نکند، رهایش نمی‌کنم». نزد حضرت آمد و گفت: «شنیده‌ام که دجال هنگام ظهور، مقداری آبگوشت برای مردم می‌آورد و مردم از گرسنگی در معرض هلاکت هستند. آیا اگر او را دیدم، از آن غذا نخورم تا بمیرم یا آنقدر بخورم که خوب سیر شوم، بعد، هم به خدا ایمان آورم و هم از دجال بیزاری جویم؟» پیامبر ﷺ چندان خنده‌ید که دندان‌های مبارکش نمایان شد و فرمود: «خداؤند مؤمنان را از دجال بی‌نیاز می‌کند».<sup>۲</sup> در این موارد ذکرشده، شوخ طبعی ازلحاظ روانی و درونی نیرویی را در گوینده و مخاطب ایجاد می‌کند که با القای خلقيات مثبت و زدودن غبار منفی بافی ذهنی و روانی و حتی خلقيات منفی، احساس سبکی و رهایی از غم و رنج و دلگرفتگی و نشاط و ذوق و وجود درونی را برای افراد مقابله ایجاد می‌کند و موجب نشاط و شادمانی می‌گردد.

### دو مسئله اخلاقی درباره طنز و لطیفه‌گویی (جوک)

#### ۱. تقلید صدا و لهجه از منظر اخلاقی

از منظر اخلاقی، تقلید صدا و استفاده از لهجه‌های قومی تازمانی که پیامدهای غیراخلاقی - مانند توهین و استهزا - نداشته باشد، جزو فعالیت‌های فراغتی

مزاح می‌کنند و می‌خندند. ابوالحسن (امام رضا) گفت: مانع ندارد، اگر چیز بدی نباشد. من تصور کردم که منظور آن حضرت فحش و متلك بود. بعد از این سخن، امام گفت: یک نفر اعرابی از صحراء می‌آمد و برای رسول خدا هدیه می‌آورد و هنوز از جایش برناخته بود که می‌گفت: ای رسول خدا، پول هدیه را لطفاً بپردازید. رسول خدا از سخن او می‌خنده‌ید. بعدها هرگاه که رسول خدا غمناک بود، می‌گفت: آن مرد اعرابی چه شد؟ کاش می‌آمد و ما را می‌خنداند (شیخ کلینی، *أصول کافی*، ج ۲، ص ۶۶۳).

۱. وَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ﷺ الْمُرْوَةُ مُرْوَةُ الْخَضْرِ وَ مُرْوَةُ السَّفَرِ... أَمَّا مُرْوَةُ السَّفَرِ فَبَذَلُ الرَّأْدُ وَ الْمِزَاجُ فِي غَيْرِ مَا يُنْسَخِطُ اللَّهُ...» (ابن شعبه حراني، *تحف العقول*، ص ۳۷۴).
۲. علامه مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱۶، ص ۲۹۵.

مثبت به شمار می‌آید. از بُعد فقهی نیز فقهای عظام عدم جواز تقلید صدا و گوش دادن به آن را منوط به همین مسئله دانسته‌اند. نمونه آن استفتای آیت‌الله مکارم شیرازی است: «هرگونه طنز و تقلید صدا و حرکاتی که موجب آزار یا اهانت به افراد شود شرعاً جایز نیست و نگاه کردن به آن نیز اشکال دارد (به دلالت التزامی، طنزی که موجب آزار یا اهانت نشود منع ندارد)».

«طنز» بیان لطیف، هوشمندانه، شیرین و خنده‌آور است که گاه جدی‌ترین و حزن‌انگیزترین پیام‌ها را شنیدنی و قابل تحمل می‌کند. اما نکته اساسی این است که طنز برای بروز یافتن به قالب نیاز دارد و این قالب‌ها گاهی عادات و آداب اقوام، لهجه‌ها و شغل‌ها هستند. ایران سرزمین وسیع و پهناوری است که دارای اقوام مختلف باللهجه‌ها و گوییش‌های گوناگون و به‌طور طبیعی مشاغل مختلف است و گوییش‌های ایرانی هر کدام شیرینی و لطافت خود را دارند.

گاه جمله و نکته‌ای با لهجه شمالی، اصفهانی، لری، شیرازی، آذری یا کرمانی چنان شیرین و گیراست که همه از آن لذت می‌برند و باید در طنز به این اصل قائل باشیم که گوییش‌های مختلف ایرانی در خدمت لذت بردن و شادمانی همه ایرانیان باشند، نه آن‌که ناخواسته ابزار تحقیر و تمسخر یک قومیت خاص گرددند.

## ۲. طنزهای قومیتی

هر ملیت یا قوم و نژادی به آداب و رسوم و عادات و روش زندگی کردن و حرف زدن و... خود عادت دارد. به همین ترتیب، عادات و آداب دیگر ملل یا اقوام و نژادها برایشان کمایش عجیب و غریب به نظر می‌رسد و این ناماؤوس بودن ابتدامایه تعجب و بعد گاهی موجب سؤال و گاهی هم دستمایه انتقاد یا تمسخر آنان می‌شود. گاهی هم رقابت‌های محلی یا برخی ریشه‌های تاریخی باعث تکه انداختن یا لطیفه‌سازی می‌شود، چنان‌که انگلیسی‌ها درباره اسکاتلندی‌ها و ایرلندي‌ها جوک می‌سازند. این‌گونه طنزها که به نوعی دربردارنده رگه‌هایی از تمسخر دیگر ملل یا اقوام هستند نه تنها سازنده نیستند، بلکه مخرب‌اند. طنزهای مذهبی یا جنسیتی مردان درباره زنان یا زنان درباره مردان نیز تا حدودی همین‌گونه‌اند. در طنزهای تهاجمی، دو حالت خنده و خشم به صورت هم‌زمان ایجاد می‌شوند. مهاجم می‌خنده و لذت می‌برد و تهاجم‌دیده رنج می‌برد و خشمگین می‌شود. این نوع طنز با رفتارهایی مانند تحقیر، کودن‌نمایی، ویران کردن نمادها، ستایش اغراق‌آمیز و نامعقول، بزرگ کردن معایب، نقیضه‌گویی و... روح، ماهیت، توانایی و هویت افراد را آزار می‌دهد.

طنزهای قومیتی به دو دلیل غیراخلاقی‌اند:

۱) تقویت تبعیض: تحلیل بسیاری از طنزهای قومیتی، آن‌ها را دربردارنده یا تقویت‌کننده باورهای تبعیض‌آمیز (و حتی گاهی نژادپرستانه) در ذهن مخاطب می‌داند. از این منظر، غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی به دلیل باورهای نژادپرستانه‌ای است که در این طنزها نهفته است.

۲) مسئولیت‌ناپذیری: آنچه ما را مقاعده می‌کند که غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی را پذیریم این مسئله است که چنین طنزهایی گویندگان خویش را در روندی قرار می‌دهند که بتوانند مسئولیت اخلاقی شان را فراموش کنند. یکی از نقدهای جدی‌ای که به طنز و خصوصاً طنزهای قومیتی وارد است این است که این طnzها فرد را در قبال مسئولیت‌هایی که در برابر دیگران (مثلًاً ملیت یا قوم مورد نظر) دارد، رها می‌کنند و اساساً فرد با قرار گرفتن در مکانیسم لودگی و شوخی و خنده، مسئولیت خویش در برابر آن‌ها را فراموش می‌کند.

### خودکاوی: سبک‌های فراغتی جوانان ایرانی

پس از خواندن متن درون کادر، مشخص کنید که اوقات فراغت و فعالیت‌های فراغتی شما چه سهمی از چهار سبک زیر را به خود اختصاص می‌دهند:  
براساس سه مؤلفه میزان آزادی، میزان برخورداری مالی و نوع انگیزش فردی،  
حداقل چهار الگوی فراغتی را می‌توان در جوانان ایرانی تصویر کرد:

۱. فراغت ناب: الگویی است که در آن انتخاب و آزادی عمل زیاد با احساس تعلق و جذب فعالیت فراغتی شدن تلاقي دارد، مانند سرگرمی‌های مورد علاقه تعطیلات نوروزی یا تابستانی؛

۲. فراغت بی‌ برنامه (آنومیک): تجربه فراغتی برآمده از فقدان محدودیت سازمانی و ساختاری، به همراه علاقه و ارتباط ضعیف با میدان فراغتی، مانند دوران انتظار برای رفتن به سربازی یا دوره پس از قبولی در کنکور تا آغاز دانشگاه؛

۳. فراغت نهادین: فراغت‌هایی که در پیوند با نقش‌های کاری، خانوادگی و دینی ایجاد می‌شوند، مانند حضور در کانون‌های فرهنگی، مساجد و تشكل‌های سیاسی؛

۴. فراغت بیگانه: فراغت برآمده از آزادی عمل محدود و لذت محدود، مانند جوانی که به دلیل خشونت و استبداد در خانه، از دنبال کردن علایق فراغتی خود محروم است و فراغت‌های محدودی دارد.<sup>۱</sup>

۱. محمدسعید ذکایی و دیگران، سبک‌های فراغتی جوانان، ص ۵۷-۵۵.